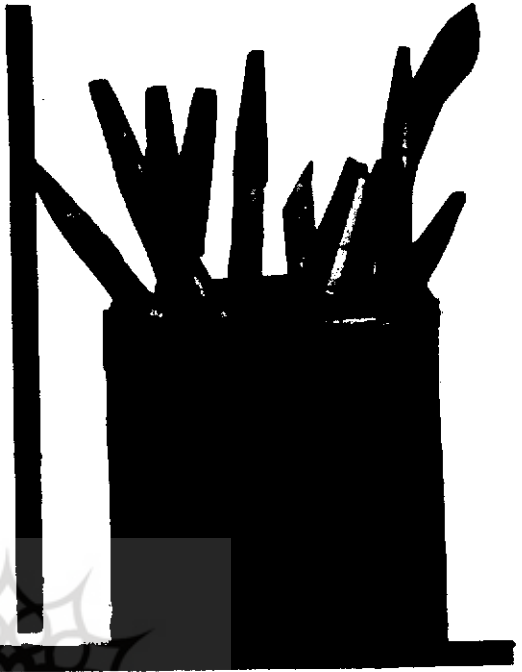


کارنامه اسلام در ایران

داود آلهامی

فہضت فرهنگی مسلمانان



شوق و علاقہ‌ای کہ مسلمان در دوران عظمت تمدن
خویش بکسب علم و توسعه دانش و فرهنگ نشان دادند
و موفقیتی کہ در این راه بدست آوردند بسیار عظیم
و اعجاب‌انگیز است.

مسلمانان کوششی کہ در فراگرفتن علوم مختلف ، انجام دادند ، بقدری شگرف بود کہ انسان از مشاهده آن بحیرت می‌افتد ، همان استمداد و لیاقتی کہ در فتوحات کشورها از خود نشان دادند و توفیقی کہ در این راه پیدا کردند در فراگرفتن علم و فرهنگ و هنر نیز به بروز و ظهور رسانیدند و توفیقی کہ در این طرہ ہم بدست آوردند ، بی شک عظیم است «گوستا- ولوبون» دانشمند معروف فرانسوی می‌گوید : «مسلمانان هر شهری را کہ می‌گرفتند اولین اقدامشان بنا به مساجد و آموزشگاه بوده است ، در بلاد مغربہ آموزشگاههای زیہی

وجود داشته‌است» (۱)

یکی دیگر از محققان غرب می‌نویسد: «در هیچ تاریخی نمی‌توانیم پیدا کنیم که اینقدر توده ملت در جستجوی علوم بروند و تا این اندازه دانش و هنر در دل و روان تمام طبقات نفوذ و اثر کرده باشد مگر در سایه اسلام.

سپس همین دانشمندان از قول یکی از مورخان بزرگ غرب بنام «ریبرا» این جمله را نقل می‌کند: «حتی هست‌ترین طبقات مردم، تشنه خواندن کتاب بودند» (۲)

و همچنین «جان دیون پورت» دانشمند بزرگ و نامی غرب؛ در این باره اظهار می‌دارد که: «مطابق دلایل و شواهد گوناگون اولین احیاء کنندگان فلسفه و علوم بدون شک اعراب آسیا و اسپانیا بودند که در عصر خلفای عباسی و اموی زیست می‌کردند و این دانشمندان را بحق، حلقه اتصال بین ادبیات قدیم و جدید نامیده‌اند» (۳)

یکی از مسائل جالب و قابل توجه در تاریخ فرهنگ اسلام، اینست: بقدری آموزش و پرورش در بین توده مردم رسوخ یافته بود که دول اسلامی کمتر در صدد برمی‌آمدند که آموزشگاه‌های علمی تاسیس کنند ولی همین قدر میدادیم که پرورش اطفال ثواب بزرگی بشمار میرفت و مسلمانان نسبت بخود وظیفه مهم مذهبی میدانستند که قرآن و تعالیم عالیه اسلامی را بیاموزند و به اطفال و نوباوگان نیز تعلیم دهند.

بهین جهت مراکز اجتماعات دینی مسلمانان، در حکم قدیمترین مراکز تعلیمی بوده است در مساجد علاوه بر نماز وظیفه تعلیم و تربیت هم انجام می‌گرفت به این معنی در مساجد کوچک اطفال خردسال تربیت میشدند و مساجد بزرگ، محل تعلیم و تربیت بزرگسالان بشمار می‌آمد و مردم از عموم طبقات بدان شجوهی و تحصیل علم می‌پرداختند و مردم آباد کردن مساجد و مدارس را وظیفه دینی خود می‌دانستند و گاهی اتفاق می‌افتاد که حتی افراد بی بضاعت نیز خانه‌های خود را تقدیم می‌کردند آموزشگاهی در آنجا تاسیس شود. غرض هر کس مبارزه با جهل و بی‌سوادی را وظیفه شرعی و ملی خود می‌دانست، کارگران به غذای کم و جامه ژنده قناعت می‌کردند، تابوتانند کتابهای مورد نیاز خود را تهیه نمایند یکی از مورخان غرب، می‌نویسد: «یکی از کارگران کتابخانه‌ای داشت که دانشمندان با کمان ذوق به آنجا می‌شتافتند، غلامان آزاد شده و باغلامزادگان رایشتر جزو دانشمندان و مردم نامی آن زمان، در صورت رجال این خلکان می‌بینیم بسیاری از زنان رادرزمره مشاهیر آن آن زمان می‌یابیم... بقدری زنان عشق خواندن و کسب علوم داشتند که برای خود هوسر انتخاب نمی‌نمودند اینها کتب زیادی نوشته و در قصائد خود داد فصاحت دادند» (۴)

(۱) تمدن اسلام و عرب صفحه ۵۵۷

(۲) عظمت مسلمین در اسپانیا صفحه ۱۶۷

(۳) عذر تقصیر به پیشگاه قرآن و محمد (ص) صفحه ۱۲۴

(۴) عظمت مسلمین در اسپانیا صفحه ۱۷۰

دانشمندان اسلام در اندک مدتی در رشته‌های مختلف از علوم مهارت یافتند و در هر کدام از رشته‌های تخصصی خود به نوشتن کتابها پرداختند و کتابهای بیشماری برشته تحریر در آوردند و کتابخانه‌های بزرگی که در آن عصر کاملاً بی نظیر بود، بوجود آوردند

چنانکه «گوستاولوبون» می‌نویسد: «علاوه بر آموزشگاههای عمومی در بغداد قاهره، طلیطله، قرطبه و... دانشگاهائی تاسیس یافته بود که در آنها لابراتوار، رصدخانه، کتابخانه‌های بزرگ و سایر آلات و ادوات تحقیق مسائل وجود داشت، چنانکه در اندلس هفتاد کتابخانه عمومی موجود بوده است. به موجب اقوال مورخین در قرطبه در کتابخانه الحاکم دوم، ششصد هزار جلد کتاب وجود داشت که ۴۴ جلد آن مخصوص فهرست کتابخانه بوده است، در این باره مقدر درست گفته شده است که: «شارل عاقل» در ۴۰ سال بعد که کتابخانه دولتی پاریس را تاسیس نمود بعد از کوشش فراوان توانست نصف جلد کتاب جمع‌آوری کند که يك ثلث آن هم کتب مذهبی بوده است» (۵)

می‌گویند، یکنفر از مسلمانان در موقع مرگ در حدود هشتاد هزار صفحه کاغذ که با خط ریز روی آنها نوشته بود، بیادگار گذاشت، اومدت پانزده سال برای کتب مشهور جغرافیای خود رنج بسیار کشید. يك نویسنده استانبولی می‌گوید:

یکی از نویسندگان ۵۰ جلد کتاب درباره گیاهان نگاشته و سیصد و چهل جلد درباره موضوعات دیگر نوشته و یکی از امیرزادگان دائرة المعارفی در حدود ۵۰ جلد نوشت یکی از مسلمانان تاریخ دمشق را در ۸۰ جلد نگاشت. لزامی بنیم در مدت چندین قرن در اسلام چه نویسندگان و خوش نویسان و دانشمندانی بظهور آمد که هر یک کتابهای زیاد نوشته و از خود بیادگار گذاشتند. (۶)

محقق نامی غرب « ژوزف ماک کاپ » اضافه می‌کند که: در طول مدت دو قرن در سرزمین مسیحی فقط يك کتاب در شرح حال شارلمانی نوشته شد در حالی که اعراب و ایرانیها در آن هنگام صدها و هزارها کتاب بوجود می‌آوردند و در حدود دوهزار نویسنده و مؤلف در تاریخ عرب در اسماء رجال ثبت است (۷)

* * *

مسلمانان هنگامی که شام و ایران را فتح کردند قسمتی از ذخائر علوم یونان و ایران را بدست آوردند و کتابهای یونانی و سریانی را به عربی ترجمه کردند. ترجمه کتاب بزبان عربی در دوران بنی‌امیه چندان رواج نداشت ولی در دوران حکومت عباسیان کار ترجمه بالاگرفت، و خلفای عباسی دستور دادند که هر قدر می‌توانند از کتابهای بیگانه ترجمه کنند این اسحاق بعضی از کتابهای سقراط و جالینوس را که در طب نوشته شده بود به زبان عربی

(۵) تمدن اسلام (عرب) صفحه ۵۵۸

(۶) عظمت مسلمین در اسپانیا ۱۶۹

(۷) عظمت مسلمین در اسپانیا ۱۶۹

ترجمه کرد و در زمان هارون کار ترجمه فوق‌العاده رواج یافته بود و در بعضی از شهرهای بزرگ روم کتابخانه‌هایی به تصرف وی افتاد و دستورات از این کتابها تامی‌توانند ترجمه کنند و غالباً گفته می‌شود که دوره خلافت مامون، مقارن اوج تمدن دستگاه خلافت است و وی در بغداد رسد خانه‌ها ساخت و دانشکده‌ای بنیاد گذاشت و فرمان داد که آثار عمده علماء و فلاسفه یونانی و هندی به عربی ترجمه شود. داستان یک دانشجوی هندسه ییزانسی که بدست مسلمانان اسیر گردیده و بعنوان برده به بغداد برده شده بود بدین نحو برای ما باقی مانده است :

یک روز صاحب این برده در پیش او از مامون صحبت می‌کرد و در ضمن گفت مامون به هندسه علاقه زیادی دارد. جوان یونانی گفت : دوست دارم جلسه او را که در باره هندسه بحث می‌کنند ، ببینم .. جریان را به اطلاع مامون رساندند مامون با اشتیاق فراوان او را به کاخ خود فرا خواند و دستورات او نیز در جلسه مهندسان مسلمان شرکت نماید. جوان یونانی آنچنان در علم هندسه مهارتی از خود نشان داد که تحسین همه دانشمندان مهندسان را برانگیخت از او پرسیدند که در «قسطنطنیه» چند نفر دانشمند مثل تو وجود دارد . در پاسخ گفت «شاگردان مانند من فراوان هستند اما استاد زیاد نیست . از او پرسیدند «آیا استاد تو زنده است ؟ «وی در پاسخ گفت : «آری» اما وی در فقر و گمنامی بسر می‌برد و جز عده‌ی معدود در آنجا کسی وی را نمی‌شناسد مامون نامه‌ای به استاد او که لئون نام داشت نوشت و او را به بغداد دعوت کرد و پادشاهی کزاف به وی وعده کرد . جوان را به عنوان نماینده نزد «لئون» فرستادند «لئون» نامه را نهانی یک تن از بزرگان ییزانس نشان داد و وخبر به امپراطور رسید و «لئون» شهرت یافت ، امپراطور او را در یک کلیسای مهم عنوان استادی داد و از قبول دعوت خلیفه منع کرد و این سبب شد از «لئون» در کشور یونان قدره دانی شود .

چنین معروف است وقتی مامون دریافت که «لئون» به بغداد آمدنی نیست با وی بنای مکتبه آغاز نمود و مسائلی چند در ریاضی و نجوم نوشت و از وی جواب خواست . آن دانشمند به سئوالات خلیفه پاسخ کافی داد و خلیفه از آن جوابها چنان بشوق آمد که برای جلب «لئون» نامه به امپراطور نوشت و از وی خواست ، حکیم را برای مدتی محدود به بغداد گسیل دارد و در مقابل به امپراطور وعده داد اگر خواسته او عملی شود مبلغی در حدود یک میلیون دلار طلای به امپراطور خواهد پرداخت ، اما امپراطور که علم را نیز ماستند اختراعات جنگی سری نگاه میداشت ، بدین کار رضانداد و «لئون» را در «تسالونیک» اسقف اعظم کرد (۸)

مؤلف کتاب ارزشمند «کارنامه اسلام» بعد از نقل این جریان می‌گوید : «درست

(۸) تاریخ تمدن غرب و مبنای آن در شرق تألیف : کریبن برنیتون - جان کریستوفر

ربرت لی وولف، ترجمه، پرویز داریوش ج ۳۱۰ - ۳۱۱

است که این روایت در مآخذ اسلامی مشهور نیست و از این لئون تسالونیکه هم آثاری که در ریاضی باقی است، چنان اهمیت ندارد اما داستان اگرچه مبالغه آمیز باشد باز نشان میدهد که شوق و علاقه مسلمین به آموختن علوم یونانی تا چه پایه بود. (۹)

آری اگرچه این داستان مبالغه آمیز می نماید ولی در هر صورت نمودار يك وضع واقعی است و آن اشتیاق مسلمانان به فرا گرفتن علوم یونانی است و چنین بنظر میرسد که همین اشتیاق مسلمانان محرک مصادر اموری بیزانس در قدردانی از دانشمندان منزوی خود گردیده است. قسمت اخیر این داستان نشان میدهد که سلاح های سری بیزانس با غیرت و حسادت بسیار حفاظت میشده است.

* * *

«گوستا ولویون» می نویسد: «یکی از خلفا بدولت روم شرقی بدین جهت اعلان جنگ داد که او را مجبور سازد که يك نفر ریاضی دان حاذق به بغداد برای تدریس اعزام دارد. (۱۰)

علم طب مورد علاقه شدید مسلمانان

یکی از زمینه های عمده مورد علاقه مسلمانان علم طب بود و در روزگار خلفا از هر شخص تحصیل کرده انتظار میرفت که نسبت به علم پزشکی علاقه داشته و از علم تشریح معلومات و اطلاعاتی کسب کرده باشد و این حقیقت از کیفیت احوال کنیز زیبا و پر استعدادی که «تودد» نام داشت و در هزار و یکشش ذکرا و بمیان آمده است معلوم می شود، این کنیز را ابوالحسن صاحب ورشکسته وی به هارون الرشید خلیفه ی عباسی در قبال قیمت شگرف (۱۰۰٫۰۰۰) دینار عرضه می کند. خلیفه با پرداخت مبلغ مذکور موافقت می نماید بشرط آنکه از عهد جواب سؤالات علمای درجه اول در هر يك از رشته های علوم که آن کنیزك ادعای اطلاع و معلومات دارد، بطرز قانع کننده و رضایتبخش بر آید.

پس، مشهورترین دانشمندان علم کلام و فقه و علوم قرآنی و پزشکی و نجوم و فلسفه و معانی بیان و شطرنج از او به نوبت امتحان می کنند آن کنیزك نه تنها بر همه پرسشها پاسخ قانع کند، میدهد، بلکه در پایان مصاحبه سؤالی طرح میکند که آن دانشمندان در جواب عاجز می مانند...

«ادوارد براون» بعد از نقل این داستان می گوید: «این داستان از این نظر ذیقیمت است که معلوم میدارد مسلمین قرون وسطی چگونه تربیتی را آموزش مطلوب و کامل میدانستند، سپس اضافه میکند: «این دختر در آخر داستان از ابهام و پیچیدگی بدن انسان در مورد رگهای بدن سخن میراند و عجز همه را نشان میدهد و می گوید: «کس چیزی نمیداند

(۹) کارنامه اسلام، دکتر زرین کوب صفحه ۳۱ - ۳۲

(۱۰) تاریخ تمدن اسلام و عرب صفحه ۲۱۳

(۱۱) هزار و یکشش شبهای ۴۴۹ تا ۴۵۴ ج ۵۱۲ ر ۲۲ - ۵۲۱

جز آنکه آنها را خلق کرده ، اما گفته اند عدد آنها ۳۰۰ است» (۱۲)
 اگرچه این داستان مبالغه آمیز می نماید بخصوص اینکه ماخذ اصلی آن «کتاب هزار
 و یکشب» است ولی هرچه هست ، نشان میدهد که حتی در میان دختران و زنان مسلمان
 نیز دانشمندان بزرگی یافت میشدند .

خلاصه خدمت مسلمانان به سالم بشریت تنها این نبود که علم را از راه تحقیق و
 اکتشافات ترقی داده و روح تازه ای برکالبد آن دمیدند بلکه بوسیله تحریر و نگارش کتاب و
 مدارس عالی هم آن را در دنیا انتشار دادند و تا چندین قرن استاد اروپائیان بوده و بجهان
 علوم و معارف اروپائیکی فراوان کردند چنانکه به این حقیقت خاورشناسان بی تعصب
 اقرار و اعتراف کرده اند .

«جان دیون پورت» می نویسد : «حرف کتابت (خط) که اصلا از مشرق زمین به اروپا
 آمده بود و برای بار دوم در پناه نبوغ اسلامی در اروپا رایج یافت همه میدانند که بیشتر از ششصد
 سال صنایع و علوم در میان اعراب رونق داشت در صورتیکه میان ما اروپائیان ، وحشیگری
 خشن و زننده حکومت می کرد و شعله ادبیات بکلی خاموش و منتفی بود . . . باید قبول کرد
 که کلیه علوم اعم از فیزیک و هیئت و نجوم و فلسفه و ریاضیات که از قرن دهم بعد در اروپا
 رونق گرفت اصولا ماخوذ از مدارس مسلمانان است» (۱۳)

آری در زمانی که در سرتاسر اروپا انسان به زحمت می توانست چندتن با سواد پیدا
 کند ، اغلب مسلمانان با سواد بودند ، مسلمانان بیدار دل و یکتاپرست راستین به سوی هر
 چه رنگ معرفت و دانش داشت ، از یونانی و هندی و ایرانی و چین و جز آن - دست دراز می-
 کردند تا از این راه به وظیفه دینی دانشجویی خویش عمل کنند و در عین حال پرده ازرها و
 مجهولات جهان بردارند و دنیا را آبادتر نمایند .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

(۱۲) طب اسلامی ، صفحه ۵۶-۵۷ (۶۰) این کتاب مجموع چهار خطابه و سخنرانی ادوار
 براون است که درباره طب عرب القاء کرده است - البته نام اصلی کتاب «طب عرب» است ولی
 مترجم : آقای مسعود رجب نیا به «طب اسلامی» ترجمه کرده است .
 (۱۳) عذرتقصیر به پیشگاه محمد (ص) و قرآن صفحه ۱۲۵